

نامه‌ی عهیدوللّا ئاگرین بۆ عهیدوللّا عهیاس^(۱)

برای دلسوی و خوشویست کاک نهولایا و قیش. دواز دهست گوشین و ریزم، بیرتان نهکم و به پرورشم بقیده‌نیان، به تما بروم سریک له بغا بددم دواز یونک نهکوت، خوزکه لمکل مالی کاک سلاخ شوان بقیده‌نیان، من له روزی هیپنی یاده لهویم. حمز نهکم بدم زروانه روویه روویه بتان بینم و به تابیت سوارهارت به یهکتی نوسه‌ران قسسه یکمین. نهوا همندی لوه و قتنانه چنگم که‌تون، قوم تاردن، نهیو سه‌بای پیمانی داوه و پنهان تاکی یهکان و همندی و قتنی ترم بادانته نهوسا بوتان نهتمیر. کاکه نهوا نووسینه سبارهارت به دیوانه‌کی (این وی) نووسیمه، حمز نهکم ناوینشانه‌کی بگزی و ناوینشانیک که خوت به لاته و به اسندنه، و هک (بسیانه) بیجاچونه و هیمه که بیجاونی بی و هیدا یان دیوانی بی و هی له نهوان دویتن و نهمرقدا یان راستکوگی یان لنگوچوچوگ کردنه له دیوانی بی و هی (دا) یان هر ناوینشانیکی تر. ثیتر له دوایدا زقد سلاخون بی کاک سلاخ و کاک معمه‌گود و شیخ حمه‌سالح و تیکرای نه برايانه هاولم نهیرسن. چاوی شوان و جوان ماج نهکم. ریزم بق دایکی شوان.

برات/ عہدو للا عہزیز خالد ۱۴/۱۵/۲۰۸۲

* پیتم بلن هاوپیکانت کین، پیت دلیم توک کیت. نهوه چیبه عهدوللا ناگرینی لهکل نهوانده که ناویان له نامیعدا هاتوه، که کرد و قوهوه؟
نامه که ناوزارستی نداداری 1983 دا نووسراوه، نهوه سروه خته، یاهکیتني نووسه رانه کورد به برياري به عس هلهوشتندرابووه، کواهه نهوه یاهکیتني نووسه رانه ناگرین به هیواهه لهکل عهدوللا عباس و سلاح شواندا باسي بيکات، یاهکیتني نووسه رانه کورده گومانلایکاره کانه، تاخر دوازتر سلاح شوان بسوه سرچکي نهوه یاهکیتني نووسه رانه یاهشک بسوه له نووسه رانه به عس.

حجه سه عید حجه سنه 2004. 03. 27

(۱) عهبدوللا عباس، نواده دهرگام کردده، پادشاهی دووهم، ل ۱۲۰ نوای هاره‌سی به عس چاپ کراوه.

بای دلخواه و هنرمند می باشد

درای و دسته گوشیخ در تریم ... بینان کام و سه
پیر ششم بود و دیمه بینانه که به تنهای چشم میگشید. از پنجه پرید
درای رشکان نه که درست. هرگز نگاه نماید که نایان گازه مسدود شون
بپرسید. درورت زیسته باشد. سایا فی ام اند. لر تریم است که بینی بروزه از
حکم کام بدم. زور از مرور به مرور پتانسیلیم و به نایی بسند
به باره ته. به کلیه تروسیها از این قسم که بکله
یک ما خشنست. لر متناسب همین که وکیل بریک ناروی و نایی
سیاع بیان در ام. هر چند تاکی بیکار و خوبی و بینه که نایی باش
که سراسر پوتا که نایی باش.
کام. کام نویسنده است. سه باره متوجه دیده شده که ای (بیکوهی)
نویسنده - سه باره کام نامنیشانه که ای گلکوبی به ناویشان اینجا
که هفتت به لذتی در بیهوده شد. درست لادیانه ام و بیکوهی بیکوهی
به دیوانی چون و بیان دیوانی سینه و بیکوهی نهیان درست و
نه منزد. بیان پایان گشکویی. پایان نگاه شوی که در تنه که در دیوانی
باشد. هر تاریخ تاکی نزد

پیر ل دهاری نماینده صنعتی بتواند مالک را مصادمه کردار نماید و مبلغ
نه صالح و نتیجای است - اگر برای یادنی تهدید نمایند میگیرند

جیادہ سوانح و حبواتہ - جائید

سوانِ دلکھا بڑیں

مکتبہ و تدوین

1974 X^μ / $\frac{14}{10}$